

رویکرد آدلر - درایکورس به اختلال خواندن

مرضیه غلامی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبائی
 طاهره نجفی فرد^۱ / دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبائی
 سعید عباسی / کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، آموزگار کودکان استثنایی
 صاحب یوسفی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

چکیده: یکی از مسائلی که از دیرباز تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اختلال یادگیری است، اصطلاح اختلال یادگیری را اولین بار ساموئل کرک در سال ۱۹۶۳ برای توصیف گروهی از کودکان که در تحول زبان، گفتار، خواندن و مهارت‌های ارتباطی دچار اختلال بودند، پیشنهاد کرد و علت این اختلال‌ها را آسیب مغزی و بدکارکردی مغز می‌دانست. در رویکرد آدلر-درایکورس بسیاری از وضعیت‌های منتسب به اختلال یادگیری، مشکل یادگیری نامیده می‌شود که ناشی از عوامل گوناگونی مانند کمبود دلگرمی، مشکل آموزش مناسب، نداشتن احساس تعلق، ضعف در احساس قابلیت، خودپنداره ضعیف، عدم همکاری و سبک زندگی نامناسب ایجاد می‌شود. مقاله حاضر به بررسی هر یک از این عوامل بر مشکلات یادگیری می‌پردازد. بدین منظور مقاله‌های مرتبط با رویکرد آدلر-درایکورس به مشکلات خواندن در پایگاه‌های اطلاعاتی اسکوپوس، اریک، پابمد و موتور جستجوی گوگل با استفاده از واژه‌های کلیدی اختلال خواندن و روان‌شناسی فردی و واژه‌های مرتبط جستجو و بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که بهبود احساس تعلق، دلگرمی، احساس قابلیت، به حساب آمدن، خودپنداره و سبک زندگی دانش‌آموزان با مشکل خواندن می‌تواند به پیشرفت خواندن در این دانش‌آموزان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: رویکرد درایکورس و آدلر، اختلال خواندن

مقدمه

انواع مختلفی از اختلال‌های یادگیری وجود دارد که اغلب آن‌ها را به سه دسته ناتوانی خواندن، ناتوانی در زبان نوشتاری و ناتوانی در ریاضی تقسیم می‌کنند. ناتوانی در خواندن، یک مشکل عصب‌شناختی است که توسط مشکلاتی در شناسایی دقیق و روان کلمات، هجی کردن ضعیف و توانایی رمزگشایی ضعیف مشخص می‌شود. ناتوانی در خواندن، همچنین با مشکلاتی در فرایندهای شناختی و ادراکی مانند حافظه کوتاه‌مدت کلامی، نامیدن سریع^۳ و آگاهی واج‌شناختی همراه است (۱). دانش‌آموزان با اختلال خواندن مشکلاتی از قبیل بیش‌فعالی، مشکلات توجه، مشکلات حرکتی، مشکلات ادراک دیداری، مشکلات ادراک شنیداری، مشکلات زبانی، مشکلات رفتاری هیجانی-اجتماعی، مشکلات جهت‌یابی، مشکلات تحصیلی، کاستی شناختی را دارند (۲).

بسیاری از رویکردهای روان‌شناختی تلاش کرده‌اند

اختلال یادگیری به اختلال یا تاخیر رشدی در یک یا بیش از یک فرایند گفتار، زبان، خواندن، هجی کردن، نوشتن یا ریاضی اشاره دارد. این مشکلات منجر به اختلال یا کاستی در یک یا بیش از یک فرایند روان‌شناختی پایه شامل: فهم یا استفاده از زبان شفاهی یا نوشتاری می‌شود. این اختلال، مشکلات یادگیری که در نتیجه مشکلات دیداری یا شنیداری، معلولیت حرکتی^۲، کم‌توانی ذهنی و مشکلات هیجانی و یا عوامل محیطی به وجود می‌آیند را در بر نمی‌گیرد. کودک هنگامی به‌عنوان کودک دارای اختلال یادگیری شناخته می‌شود که: ۱- مشکلاتی در فهم یا استفاده از زبان شفاهی، خواندن، نوشتن و ریاضیات در دوران رشد (قبل از سن ۱۶ سالگی) داشته باشد، ۲- امکانات کافی، علاقه و انگیزه برای یادگیری داشته باشد.

1- Email: Njffrd64@yahoo.com

2- motor handicaps

3- rapid naming

آن را در بین عواملی دیگری مانند هدف رفتار، موقعیت در خانواده، فضا و ارزش‌های خانواده، پذیرش کودک به وسیله معلم و گروه همسالان، کلاس، شرایط فیزیکی و موقعیت اجتماعی بررسی کرد. هر کودک باید به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد تا بتوانیم دلایلی که سبب عدم یادگیری او می‌شود را کشف کنیم (۵، ۶).

در این پژوهش سعی بر این شده است که اختلال خواندن از دیدگاه آدلر - درایکورس بررسی شود. بنابراین، به نقش عواملی مانند احساس تعلق، دلگرمی، اعتماد به نفس، سبک زندگی و خودپنداره در مشکلات خواندن پرداخته شده است. در نتیجه هدف از این پژوهش بررسی رویکرد آدلر - درایکورس به مشکلات خواندن بود.

مشکلات خواندن بر اساس روان‌شناسی فردی

در سال‌های اخیر بسیاری از افراد ناموفق به ویژه افرادی که در خواندن ضعف دارند، به‌عنوان افرادی که دارای مشکلات ادراکی، ناتوانی یادگیری، زبان‌پریشی، ضایعه مغزی خفیف، خوانش‌پریشی، ناتوانی‌های درون‌حسی و میان‌حسی، ضعف در درک شنیداری، مشکل در تصویرپردازی دیداری، تحریف‌های دیداری خاص و بسیاری از اختلال‌ها شبیه به این‌ها طبقه‌بندی می‌شود.

خوشبختانه دیده می‌شود که افراد بسیاری نسبت به این روند معترض‌اند. روش‌های آموزش ادراکی و هماهنگی دیداری - حرکتی تاثیر مستقیمی بر یادگیری خواندن ندارند. هر از گاهی روش‌های گوناگونی با تعصب و قطعیت ارائه می‌شوند که به نظر می‌رسد مانع از یافتن راه چاره می‌شود. تا زمانی که شیوه‌های تدریس با روشی که کودکان خردسال در سنین پایین مطالب را می‌آموزند، تطابق پیدا نکنند، تمام فرضیات در مورد ناتوانی‌های یادگیری عصب پایه و توضیحات عضوی مشابه درباره‌ی این ناتوانی‌ها هم‌چنان ادامه خواهد داشت و احتمالاً بر تعداد و تنوع آن‌ها افزوده خواهد شد. در روان‌شناسی فردی نمی‌توان افراد را به‌صورت قسمت‌های جدا از یکدیگر در نظر گرفت؛ بلکه افراد ارگانیزم‌های غیرقابل تقسیم هستند. در نظریه آدلر یک دانش آموز نسبت به مدرسه احساس تعلق می‌کند، بنابراین نمی‌تواند خارج از این رفتارها در

تبیین‌های دقیقی درباره شخصیت ارائه دهند. یکی از این رویکردها روان‌شناسی فردی^۱ آلفرد آدلر^۲ است. روان‌شناسی فردی در اوایل قرن بیستم کار خود را شروع کرد و بر منحصر به فرد بودن افراد و رفتار کردن آن‌ها در جامعه به‌صورت منحصر به فرد تاکید می‌کند (۳).

روان‌شناسی فردی تاریخچه‌ی گسترده‌ای در رشد و پیشرفت افراد سن مدرسه دارد (۴). درایکورس^۳ بیان می‌کند که ما نگران کودکانی هستیم که به اشتباه بر حسب ناتوانی یادگیری خورده‌اند. این کودکان به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار اختلال در یادگیری دارند؛ اما همین کودکان وقتی به‌وسیله معلم و هم‌سالان دلگرم می‌شوند و مورد احترام و دوست داشتن قرار می‌گیرند؛ اعتماد به نفس خود را باز می‌یابند و از یادگیری لذت می‌برند. بنابراین در مورد اختلال‌های یادگیری به‌جای تمرکز بر جنبه‌های فیزیکی شکست کودک در یادگیری به ناتوانی آموزش و تدریس معلم نیز باید نگاهی انداخته شود. ما معتقدیم که این کودکان می‌توانند موفق شوند و این موفقیت به معلم بستگی دارد که بتواند روش‌ها و فنون مناسب را به کار گیرد. وقتی به نارسایی‌ها به‌عنوان ناتوانی آموزش نگرسته شود تا ناتوانی یادگیری، آن وقت نظام آموزشی مسئول موفقیت یا شکست دانش آموز خواهد بود (۵). بنابراین معلمان و دانش‌آموزان باید مهارت‌هایی مانند هم‌دلی^۴، خودتنظیمی^۵، تاکید بر رفتارهای معطوف به هدف و مدیریت خلق و خو^۶ را در یادگیری بدانند (۴).

پژوهش‌های مختلف این موضوع را مطرح می‌کنند که نمی‌توان بر عامل خاصی به‌عنوان علامت مطمئنی که چرا کودکان یاد می‌گیرند یا یاد نمی‌گیرند تکیه کرد. اگر کودکی ضعف داشته باشد به این معنا نیست که او توانایی ندارد؛ بلکه به این معنی است که ممکن است کودک از توانایی‌ها و امکانات بالقوه خود استفاده نمی‌کند. از دیدگاه آدلر نمی‌توان تنبلی را به‌صورت جدا بررسی کرد؛ بلکه باید

1- Individual Psychology

2- Alfred Adler

3- Dreikurs

4- empathy

5- self-regulation

6- mood management

خودپنداره و تاثیر آن بر رفتار یکی از نگرانی‌های همیشگی معلمان و روان‌شناسان بوده است. بسیاری از نظریه‌ها بر رشد دوران کودکی و تاثیرات والدین بر شکل‌گیری خودپنداره کودک تاکید می‌کنند. نظریه‌های دیگر بر روابط برادر و خواهری در خانواده تاکید می‌کنند که ترتیب تولد خواهر و برادرها بر خودپنداره تاثیر می‌گذارد. خودپنداره یک عامل تعیین‌کننده درباره درک کودک از جهان است. کودکان به‌طور عمده براساس درکشان از یک موقعیت خاص عمل می‌کنند حتی اگر درکشان اشتباه باشد. والدین و معلمان شکایت می‌کنند که کودکان آن‌گونه که ما در کودکی رفتار می‌کردیم رفتار نمی‌کنند. امروزه مدارس در برخورد با مشکلات رفتاری و تحصیلی تخصص یافته‌اند.

مشکلات کودکان ناشی از درک اشتباه آن‌ها از جهان است. والدین و معلمان از رفتارهای مخرب کودکان پریشان می‌شوند و پدر و مادر در برخورد با مشکلات کودک دلسرد^۲ می‌شوند. برای این‌که بر کودک تاثیر مثبتی داشته باشید، باید بدانید که وقتی کودک رفتار نامناسبی دارد از لحاظ آسیب‌شناسی بیمار نیست. بلکه فقدان آموزش، بینش و جهت‌گیری درست سبب می‌شود که نتواند راه‌های درست سودمندی^۳ را شناسایی کند. به‌عبارت‌دیگر کودکی که از عدم‌کفایت به‌سوی کسب‌کفایت تلاش می‌کند. خودپنداره تحت تاثیر منطق خصوصی^۴ کودک است. به گفته درایکورس و همکاران (۵) شما نمی‌توانید به فرزندتان کمک کنید مگر او را بشناسید و درک کنید. عدم درک کودک یکی از فاجعه‌های معاصر در روابط والد فرزند است. بیشتر پدر و مادرها کوچک‌ترین اندیشه‌ای درباره این‌که چرا کودک نامناسب رفتار می‌کند، ندارند. آن‌ها هدف و علت این رفتارها را نادیده می‌گیرند. معلمان هم در مشکلات رفتاری کودکان سهیم هستند مخصوصاً در ناتوانی‌های یادگیری و بخصوص خواندن که کودکان با ناتوانی یادگیری خودپنداره پایینی دارند و در کلاس درس اختلال بیشتر به وجود می‌آورند (۷). تاکید بر توانایی کودک برای مشارکت و مفید بودن یکی از روش‌های رشد دادن کودک است.

مدرسه رفتار کند. او خودش را براساس این ارتباطات و احساس تعلق تنظیم می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، احساس تعلق و ارتباط با دیگران باعث می‌شود که دانش‌آموز به‌طور پیوسته به تلاشش ادامه دهد. به مدارس توصیه می‌شود که به دانش‌آموزان احترام بگذارند و او را درک کنند. مدارس باید به دانش‌آموزان برای ایجاد سبک زندگی درست که موجب رشد علاقه اجتماعی می‌شود، کمک کنند (۶). کسی منکر این نیست که این کودکان ممکن است آسیب مغزی داشته باشند. کودکانی که به‌عنوان ناتوانی خواندن هستند، همانند کودکانی که دارای آسیب مغزی هستند رفتار نمی‌کنند، بیش‌فعالی آن‌ها در اثر آسیب مغزی نیست؛ بلکه نوعی مشکل رفتاری است و می‌تواند از طریق محدودیت‌های قاطع اما محبت‌آمیز متوقف شود یا کاهش یابد. ما باید قبل از پذیرفتن دلایل آسیب‌شناختی در ارتباط با عدم یادگیری کودک، هشیار و مراقب باشیم. تصورات عضوی یا فیزیولوژیکی به نادیده گرفتن عوامل روان‌شناختی مشکلات خواندن منجر می‌شود و معیارهای اصلاحی نیاز به درک تصور کودک و منطق شخصی او دارد.

شخصیت فردی کودک و نگرش او در مورد خواندن از روش تدریس خواندن اهمیت بیشتری دارد. ممکن است دیگران نیز چنین مشکلاتی داشته باشند، ولی مشکلات فرد فقط مربوط به خودش هست. از دید کل‌نگر، برای درک دلایل زیر بنایی مشکل کودک باید به میزان رشد هیجانی، جسمی و اجتماعی او توجه شود. معلم بدون داشتن چنین درکی قادر به کمک به کودک برای غلبه بر ناتوانی‌اش نخواهد بود. متأسفانه بسیاری از معلم‌ها نمی‌توانند درک کنند یا بپذیرند که بین عدم یادگیری کودک و رشد شخصیت او رابطه وجود دارد و معلمانی هم که این نظریه را پذیرفته‌اند در فهماندن آن به والدین که معمولاً منبع مشکل کودک هستند، مشکلات بسیاری دارند و این عدم درک توسط والدین و معلمان باعث فشار بیشتر به کودک می‌شود و حتی ممکن است او را تنبیه کنند (۵).

خودپنداره^۱ و مشکلات خواندن

2- discouraged

3- constructive

4- Private logic

1- Self-concept

مناسب است. کودکانی که به آموزش ویژه نیاز دارند قادر به ایجاد چنین رابطه‌ای در خانواده‌شان نبودند و گرنه کمبودهای آموزشی و اجتماعی نداشتند. معلم نقش مادر و پدر و دیگر صاحبان قدرت را برای کودک بازی خواهد کرد تا این الگوهای غلط را شناسایی و اصلاح کند. اگر معلم سعی کند مادر را درگیر نظارت بر تلاش‌های خواندن کودک کند این توافق نمربخش خواهد بود.

۳. معلم باید این فرض را کنار بگذارد که می‌تواند با مشاهده مشکل کودک در خواندن هر نتیجه‌ای درباره توانایی خواندن او بگیرد. در حال حاضر اکثر معلم‌ها توانایی کودکان را در این رابطه کمتر از حد واقعی برآورد می‌کنند.

۴. وقتی مقاومت کودکان در برابر خواندن برداشته می‌شود و بعد از این که خودپنداره آن‌ها تغییر می‌کند در زمان کوتاهی یاد می‌گیرند که چه طور بخوانند. هم‌چنین معلم باید بداند چگونه تصورات غلط کودک را از نو جهت‌دهی کند و چگونه از گروه برای دلگرمی او استفاده کند.

مشکلات خواندن و سبک زندگی

رشته روان‌شناسی و به‌طور خاص روان‌شناسی فردی ابزارهایی برای بررسی عوامل موثر بر توانایی خواندن فراهم کرده است. سبک زندگی به وجود آورنده رفتار فرد است و عاملی است که در رفتارهای خواندن و خواندن بهتر موثر است. تفاوت‌هایی که بین خوانندگان خوب و ضعیف وجود دارد: خواندن، یادگیری خواندن، یاد نگرفتن خواندن رفتارهایی هستند که به‌وسیله سبک زندگی فرد مشخص می‌شود. سبک زندگی روشی است که فرد موقعیت و جای خود را در جهان درک می‌کند. این یک چهارچوب شناختی که برای مقابله با وظایف و تقاضاهای زندگی انتخاب شده است. اگرچه تظاهرات سبک زندگی مانند رفتارها ممکن است نامرتب به نظر برسند ولی روان‌شناسی فردی بیان می‌کند که آن‌ها مطابق با دیدگاه فرد به خودش، جهانش است و این دیدگاه فرد باعث می‌شود که یک منطق وی را گسترش بدهد و براساس آن عمل کند. منطق خصوصی افراد در سنین کودکی، زمانی که افراد شروع به تعامل با جنبه‌های مختلف محیط می‌کنند، شکل می‌گیرد. افراد از طریق منطق خصوصی به اهدافشان شکل می‌دهند و

معلم باید سعی کند که کودک در کلاسش موفقیت و تعلق را احساس کند، این به این معنا نیست که به آن‌ها نباید آموزش ویژه داد بلکه باید کودک در هر کلاسی احساس تعلق به آن کلاس داشته باشد، هم معلم آموزش ویژه و هم معلم کلاس عادی باید با یک‌دیگر همکاری کنند تا بهترین و موثرترین برنامه آموزشی را برای این کودکان فراهم کنند (۵)، در نتیجه زمانی که معلم کودکان را دلگرم می‌کند و احساس تعلق می‌کنند، خودپنداره و منطق شخصی فرد تحت تاثیر قرار می‌گیرد و مشکلات یادگیری آن‌ها کاهش پیدا می‌کند.

راهبرد های اصلاحی در مشکلات خواندن

همدلی^۱ ما را قادر می‌کند که احساس دیگران را درک کنیم، برابری، سبب ایجاد احترام متقابل در محیط می‌شود و دلگرمی^۲، خلاقیت^۳، اعتماد به نفس^۴ و توانایی برای همکاری را به وجود می‌آورد. آموزش ما را قادر می‌کند اطلاعات و مهارت‌هایمان را از ذهنیت^۵ به عمل^۶ تبدیل کنیم و همه این موارد سبب بروز علاقه اجتماعی می‌شوند (۸). معلم باید به‌جای این که کودک را مشغول تمرین‌های خسته‌کننده خواندن بکند، از معیارهای اصلاحی که ماهیت روان‌شناختی دارند استفاده کند. سه مورد از معیارهای زیر بیان شده است:

۱. معلم نمی‌تواند ارزش‌های غلطی را که کودک براساس آن‌ها عمل می‌کند مانند فکر غلط مقایسه دایمی خودش با دیگران یا بیشتر در فکر موفق شدن تا یادگیر بودن، این بلندپروازی‌های منحرف معمولاً موجب می‌شوند که کودک تصور کند شکست خورده است، معلم می‌تواند و باید درک کودک را از زندگی اجتماعی ارتقا دهد، این امر می‌تواند از طریق بحث گروهی یا فردی محقق شود چون اکثر دانش‌آموزان در کلاس‌های جبرانی کمبودهای مشابهی در نظام ارزشی‌شان دارند.

۲. اساس تلاش‌های آموزشی موثر روابط بین فردی

- 1- Empathy
- 2- Encouragement
- 3- creativity
- 4- self-confidence
- 5- mindset
- 6- action

آن‌ها احساس بدبختی، خودترحمی^۲، سرافکندگی^۳ می‌کنند و به دنبال جستجوی دلسوزی از طرف دیگران هستند (۳).

کاربرد نظریه آدلر - درایکورس برای اختلال خواندن در ایران

رویکرد غالب در ایران نسبت به اختلال خواندن بیشتر توجه بر نقص در حافظه، ادراک دیداری و شنیداری، شناخت و فراشناخت است؛ در حالی که در دیدگاه آدلر - درایکورس این عوامل در درجه نخست مورد توجه نیستند و به عواملی مانند دلگرمی، احساس تعلق، احساس قابلیت، به حساب آمدن، سبک زندگی، خودپنداره پرداخته می‌شود. بنابراین، می‌توان در ایران نیز آموزش‌هایی در رابطه با چگونگی دلگرم کردن دانش‌آموزان، ایجاد احساس تعلق، سبک زندگی و خودپنداره مناسب به معلمان و والدین بدهیم و متعاقب با آن پیشرفت دانش‌آموزان را بهبود بخشیم و از آنجایی که این راهکارها بیشتر جنبه پیشگیری دارد استفاده از این راهکارها باعث می‌شود از به وجود آمدن مشکلات حادثه‌روهنه‌های سنگین جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه روان‌شناسی فردی همه انسان‌ها با توانایی و علاقه به ارتباط با دیگران متولد می‌شوند اما آن‌ها باید روش‌های مثبت نه منفی را برای ارتباط برقرار کردن یاد بگیرند. هم‌چنین سبک زندگی که منحصر به فرد است، از طریق مشاهده دیگران و واکنش آن‌ها به افراد دیگر و موقعیت‌های مختلف زندگی شکل می‌گیرد. در نتیجه درک کودک از خودش، دیگران و جهان‌ش شکل می‌گیرد. رفتار کودک از طریق این ادراک‌ها و نتیجه‌گیری‌ها رشد می‌کند زیرا کودک این ادراک‌ها را درست و واقعی می‌داند. برخی از این نتیجه‌گیری‌ها و ادراک‌ها درباره زندگی و روابط اشتباه است (۹). براساس نظریه آدلر، نیازهای مهم شامل: احساس ارتباط با دیگران، احساس به حساب آمدن، احساس شایستگی و دلگرمی است که کودک برای رسیدن به آن‌ها تلاش و «حرکت روان‌شناختی» می‌کند.

این اهداف رفتارشان را توضیح می‌دهد. از آنجایی که در روان‌شناسی فردی رفتارها به‌طور کلی منطبق با سبک زندگی است، رشد توانایی خواندن باید منطبق با سبک زندگی فرد باشد.

سبک زندگی خوانندگان خوب

خوانندگان خوب دارای سبک زندگی مثبت هستند و این نوع سبک زندگی نشان‌دهنده یک فرد موفق است. این افراد دارای احساس کفایت و شایستگی هستند و باثبات عمل می‌کنند. انگیزه این افراد به سمت به دست آوردن موفقیت است. بسیاری از این افراد می‌دانند که چه طور کار کنند و موفق شوند. خوانندگان خوب خودفرما^۱ هستند، به این معنی که آن‌ها خوش‌بین هستند، انسانی عمل می‌کنند، بالغ هستند، اعتماد به نفس دارند و مستقل هستند. آن‌ها تمایل دارند خطرهای واقعی را تجربه کنند و علاقه کمی به کنترل کردن دیگران دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های این افراد این است که آن‌ها تمایل به دوستی با دیگران دارند، بدین معنی که این افراد علاقه بسیاری به بودن با دیگران به جای فاصله گرفتن از آن‌ها دارند، آن‌ها به راحتی ارتباط اجتماعی محترمانه را براساس درک متقابل و تعهد، تقسیم وظایف و وابستگی نزدیک و هویت بدون مالکیت رشد می‌دهند.

سبک زندگی در خوانندگان ضعیف

خوانندگان ضعیف، خود را به‌عنوان افراد کم پیشرفت پذیرفته‌اند. سبک زندگی خوانندگان ضعیف شکست خورده، قربانی و طغیانگر است. سبک زندگی شکست خورده، نشان‌دهنده افرادی است که نقش افراد نامناسب را بازی می‌کنند، افرادی که نمی‌توانند هیچ کاری را به درستی انجام دهند. افراد دارای سبک زندگی طغیانگر به خواسته‌های دیگران اهمیت نمی‌دهند و مثل افراد ناشنوا رفتار می‌کنند. سبک زندگی قربانی بدین معنی است که این افراد موقعیت‌هایی تنظیم می‌کنند که آن‌ها را آزار می‌دهد و آن‌ها در این موقعیت‌ها احساس ناامنی می‌کنند.

2- self-pity

3- resignation

1- Self- governor

ایمان و اطمینان به فرد و توانایی‌هایش، تصدیق عمل، تمرکز بر تلاش و پیشرفت و تمرکز بر توانایی‌ها و داشته‌ها استفاده نمایند (۱۱). با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود آموزش‌هایی در زمینه چگونگی دلگرم کردن و ایجاد احساس تعلق دانش‌آموزان با مشکلات خواندن به معلمان داده شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود آموزش‌هایی در زمینه چگونگی دلگرم کردن و ایجاد احساس تعلق فرزندان به والدین داده شود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کمبود پژوهش در زمینه مشکلات خواندن با رویکرد روان‌شناسی فردنگر اشاره کرد.

References

- Ozernov-Palchik O, Norton ES, Sideridis G, Beach SD, Wolf M, Gabrieli JD, et al. Longitudinal stability of pre-reading skill profiles of kindergarten children: implications for early screening and theories of reading. *Developmental science*. 5(20);2017).
- Ali MS, Rafi M. Learning Disabilities: Characteristics and Instructional Approaches.
- Spencer FE. AN ASSESSMENT OF ADLERIAN LIFE STYLE AND READING ABILITY OF NINTH GRADERS. 1984.
- Brigman G, Lemberger ME, Moore MM. Striving to Evince Educational Excellence: Measures for Adlerian Counselors to Demonstrate an Impact on School-Age Youth. *Journal of Individual Psychology*. 2(68);2012).
- Dreikurs R, Bronia Grunwald B, Pepper FC. Maintaining Sanity In the Classroom: Classroom Management Techniques. Danjeh publication 1914.
- Lemberger ME, Krauss S. Individual Psychology and Factors Associated with the Development of Elementary and Secondary School Students. *Journal of Individual Psychology*. 1(69);2013).
- Cramer CN. Learning disabled and non-learning disabled students' perception of self: an Adlerian approach. 1979.
- Carlson C, Clemmer F, Jennings T, Thompson C, Page L. Organizational development 101: Lessons from Star Wars. 2007.
- Kottman T. Adlerian play therapy. *International Journal of Play Therapy*. 1(2);2001.
- Peterson A. Adlerian Play Therapy Concepts: How to Make Activities Therapeutic In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree oMaster of Arts in Adlerian Marriage and Family Therapy. The Faculty the Adler Graduate School 2015.
- Alizadeh H, Nasiri Fard N, Karami A. The effect of courage based on Adlers approach on self-esteem efficacy in adolescent girls. *Women's Studies Sociological and psychological*. 68-143;(4)8;2010.

کودکانی که احساس تعلق دارند، احساس امنیت و همکاری می‌کنند. وقتی کودک احساس تعلق نمی‌کند، احساس جداسدگی می‌کند و رفتارهای توجهی منفی نشان می‌دهد زیرا احساس می‌کند بخشی از گروه نیست و در نتیجه از مسئولیت پذیری فاصله می‌گیرد. یکی دیگر از نیازهای مهم احساس قابلیت^۱ است. کودکی که احساس می‌کند می‌تواند خودکنترلی نشان دهد. کودکی که احساس قابلیت دارد مسئولیت‌پذیر است و قادر است مسئولیت رفتارش را قبول کند. کودکان هم‌چنین نیاز به حساب آمدن^۲ دارند. کودکانی که احساس می‌کنند به حساب می‌آیند معتقدند که می‌توانند تغییر ایجاد کنند. کودکان اگر به حساب نیایند، احساس کهنتری و آزار و اذیت می‌کنند و در واکنش به این احساس به دیگران آسیب می‌زنند. آخرین نیاز دلگرمی است. کودکی که دلگرمی دارد برای مواجهه با زندگی و مشکلات زندگی مشتاق است. کودکی که دلگرم است تلاش می‌کند، حتی اگر مطمئن نباشد که موفق می‌شود. کودکانی که دلگرمی دارند مشتاق هستند که موقعیت‌های چالش‌برانگیز را حل کنند. کودکی که دلگرمی ندارد احساس عدم توانمندی می‌کند. معلمان و والدین برای ایجاد احساس توانمندی، دلگرمی، به حساب آمدن و تعلق باید به دانش‌آموزان و فرزندان خود احترام بگذارند و فضایی ایجاد کنند که کودکان احساس امنیت کنند. در چنین فضایی کودکان می‌توانند گشوده باشد و معلمان می‌توانند درک بهتری از مراجع و نظرشان درباره جهان داشته باشند (۱۰). دلگرمی به افراد برای داشتن اعتقادی راسخ الهام می‌بخشد و کمک می‌کند تا آن‌ها بتوانند برای یافتن راه‌حل‌ها کار کنند و در چالش‌های پیش رو تلاش کنند و در واقع به نوعی دلگرمی دستیابی به شجاعت برسند، در نتیجه دلگرمی به افراد دارای مشکلات خواندن این انگیزه را می‌دهد که راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات خود انتخاب کنند (۶). هم‌چنین معلمان این دانش‌آموزان باید به آن‌ها احترام گذاشته و برای این‌که آن‌ها به اهداف خود دست یابند، از شیوه‌هایی مانند: گوش دادن و درک کردن، غیرقضاوتی بودن، با دیگران صبور بودن، القا

1- Capability

2- count